

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۱۴

فصلنامه تخصصی روان سنجی
دوره پنجم، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۱/۱۰

صفحات ۹۹ - ۱۱۵

بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه
بنیان‌های اخلاقی (MFQ۳۰)

**A preliminary study on the psychometric properties of the Moral
Foundations Questionnaire (MFQ30)**

سید جواد سیفی قوزلو^۱، علی رضائی شریف^۲، مرضیه سادات آل یاسین^۳، سارا تیرگر^۴

Abstract:

Moral psychology has experienced a “renaissance” in recent years. Research on the emotional, cognitive, and social determinants of moral judgment has surged in recent years. The development of moral foundations theory (MFT) has played an important role, demonstrating the breadth of morality. Moral psychology has responded by investigating how different domains of moral judgment are shaped by a variety of psychological factors. The aim of this study was to evaluate the psychometric properties of the Persian form of Moral Foundations Questionnaire (MFQ30). For this end, 250 teachers (125 male, 125 female) were selected randomly among the teachers of the Moghan city, and responded to Moral

چکیده:

در سال‌های اخیر روان‌شناسی اخلاق یک “رنسانس” را تجربه کرده است. تحقیقات بر روی عوامل تعیین‌کننده عاطفی، شناختی و اجتماعی قضاوت اخلاقی در سال‌های اخیر افزایش یافته است. توسعه نظریه‌ی بنیان‌های اخلاقی (MFT) نقش مهمی در نشان دادن گستردگی اخلاق ایفا کرده است. روان‌شناسی اخلاقی با بررسی اینکه چگونه حوزه‌های متنوع قضاوت اخلاقی توسط عوامل متنوع روانی شکل گرفته‌اند، واکنش نشان داده است. هدف این پژوهش ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم فارسی پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی (MFQ۳۰) بوده است. بدین منظور ۲۵۰ (۱۲۵ مرد، ۱۲۵ زن) به صورت نمونه‌گیری تصادفی از میان معلمان شهرستان مغان انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌های بنیان‌های اخلاقی و زمینه‌یاب

^۱ نویسنده مسئول، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران. Jseifi@ut.ac.ir

^۲ عضو هیئت علمی، دانشگاه محقق اردبیلی، گروه روانشناسی، اردبیل، ایران.

^۳ دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۴ دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Foundations Questionnaire and Schwartz Value Survey (SVS). Psychometric Properties of the moral foundations questionnaire were evaluated. Results Cronbach's alpha for Moral in general was about 79% and for the subscales care / harm, fairness, loyalty to the group, respect for authority and purity were respectively, 58%, 79%, 61%, 70% and 73%. Results of confirmatory factor analysis also showed that this questionnaire has a good fit. The convergent validity of the questionnaire, along with the simultaneous implementation Schwartz Value Survey (SVS) evaluated and convergent validity of the Moral Foundations Questionnaire was confirmed. Overall Persian form of the Moral Foundations Questionnaire has a good reliability and validity and it can be used in different investigations in Iran.

Keywords: Moral Foundations, Reliability, Validity, Values.

ارزشی شوارتز (SVS) پاسخ دادند. ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی ارزیابی شد. نتایج آلفای کرونباخ برای اخلاق به طور کلی حدود ۰/۷۹ بود و برای خرده مقیاس‌های مراقبت/آسیب، انصاف، وفاداری به گروه، احترام به مرجعیت و خلوص به ترتیب ۰/۵۸، ۰/۷۹، ۰/۶۱، ۰/۷۰ و ۰/۷۳ بودند. نتایج تحلیل عاملی تاییدی نشان داد که این پرسش‌نامه از برازش مناسبی برخوردار است. اعتبار همگرایی این پرسش‌نامه به وسیله اجرای همزمان آن با زمینه‌یاب ارزشی شوارتز (SVS) سنجیده شد و اعتبار همگرایی پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی تایید شد. به‌طور کلی فرم فارسی پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی از اعتبار و روایی مناسبی برخوردار است و می‌تواند در پژوهش‌های مختلف در داخل ایران مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: بنیان‌های اخلاقی، اعتبار، روایی، ارزش‌ها

در سال‌های اخیر روان‌شناسی اخلاق یک "رئسانس" را تجربه کرده است، و آن تولید یک ادبیات تجربی بزرگ با تاکید بر جنبه‌های بصری و عاطفی قضاوت اخلاقی است (گرین^۱، ۲۰۱۱). تحقیقات بر روی عوامل تعیین‌کننده‌ی عاطفی، شناختی و اجتماعی قضاوت اخلاقی افزایش یافته است. توسعه نظریه بنیان‌های اخلاقی^۲ (MFT) نقش مهمی در نشان دادن وسعت و گستردگی اخلاق ایفا کرده است. روان‌شناسی اخلاق از طریق بررسی اینکه چگونه حوزه‌های متنوع قضاوت اخلاقی توسط عوامل متنوع روانی شکل گرفته‌اند، واکنش نشان داده است (کلیفورد و آینگار^۳، ۲۰۱۵). تئوری‌های روان‌شناسان در زمینه رشد اخلاقی عمدتاً بر پایه نظریه کانت^۴ بنا شده است. تئوری پردازان رشد اخلاق عده‌ای طرفدار اخلاق رسمی^۵ کانت هستند (مثل کلبِرگ و توریل^۶) که در تعریف عمل اخلاقی بر تکلیف با وظیفه تاکید می‌کنند. عده‌ای دیگر طرفدار اخلاق نوع دوستانه هستند (مثل آیزنبرگ^۷) که معتقدند: عمل اخلاقی مستلزم فداکاری است (کمپ بل^۸، کریستوفر^۹، ۱۹۹۶). روان‌شناسی اخلاق مطالعه چگونگی قضاوت‌های ذهنی وابسته به اخلاق است که از دو منظر روان‌شناسان و فلاسفه دنبال شده است. فلاسفه به مواردی نظیر مسئولیت اخلاقی، اراده آزاد و قضاوت علمی می‌پردازند در حالی که روان‌شناسان فرآیندهای شناختی مداخله‌کننده در کسب و کاربرد اصول اخلاقی را بیش‌تر مورد توجه قرار می‌دهند. دانشمندانی نظیر پیازه^{۱۰} و کلبِرگ^{۱۱} به دنبال کانت و راول^{۱۲} سردمدار این سیر مطالعاتی هستند که توانایی استدلال را مسیر عالی تفکیک خوب از بد تلقی می‌کنند (مونین، پیزارو و بیر^{۱۳}، ۲۰۰۷). پیازه تفکر اجتماعی کودکان را در بسیاری از جنبه‌ها از جمله اخلاق مورد بررسی قرار داده است. وی توجه ویژه به چگونگی فهم کودکان از قوانین بازی کرده است. وی دریافت که کودکان بین سنین ۴ تا ۷ بازی‌هایشان خود میان‌بینانه است. پس از ۷ سالگی، کودکان از قوانین رایج پیروی کرده و بر اساس آنها بازی می‌کنند. براساس مفاهیم مختلف از قوانین اخلاقی، پیازه دو نگرش به اخلاق عنوان کرده است. اولین نگرش، ویژگی کودکان کم سن‌تر است که پیروی کورکورانه از قوانین بزرگترهاست و دیگر پیروی اخلاقی^{۱۴} یا خودمختاری توأم با تبعیت نام دارد. دیدگاه دوم که به کودکان با سنین بالاتر مربوط می‌شود به خود پیروی^{۱۵} معروف است و کودکان قوانین را به عنوان ابزاری برای انسان دانسته که به دلیل تعاون ایجاد شده است (کرین، ۲۰۰۵، پیازه، ۱۹۳۲؛ ماسن، فلاول و مارکمن^{۱۶}، ۱۹۸۳، ترجمه مهشید یاسایی، ۱۳۸۰). کلبِرگ در حدود ۲۰ سال یک گروه ۷۵ نفره از پسران را از ۱۰ تا ۱۶ ساله (هنگام آغاز مطالعه) مورد مطالعه قرار داد. داستان‌هایی را درباره مسائل اخلاقی فرضی اشخاص ناشناخته به ایشان گفت و از آنها خواست که این مسائل را حل کنند. مفهوم اصلی

- | | | |
|-------------------------------|----------------------------|-----------------------|
| 1. Greene | 2. Moral Foundation Theory | 3. Clifford & Iyengar |
| 4. Kant | 5. Formalist | 6. Turiel |
| 7. Eisenberg | 8. Campbell | 9. Christopher |
| 10. Piaget | 11. Kohlberg | 12. Ravel |
| 13. Monin, Pizarro & Beer | 14. Moral Heteronomy | 15. Autonomy |
| 16. Mussen, Flavell.& Markman | | |

در هر مسئله مفهوم عدالت^۱ بود. سپس کلبِرگ و همکارانش از همین پسران خواستند که در مورد حل آن مسائل تصمیم بگیرند. در این مورد نحوه استدلال پسران برای کلبِرگ مهم بود، بنابراین اگر دو نفر از ایشان به یک وضع دشوار پاسخ های متضاد می دادند لکن استدلال هایشان بر عوامل همسانی مبتنی بودند در یک سطح اخلاقی قرار می گرفتند. کلبِرگ از مطالعات بیست ساله اش نتیجه گرفت که سطوح استدلال اخلاقی با سطح شناختی بستگی دارند (شعاری نژاد، ۱۳۸۶). در بین روان شناسان در مورد این که مراحل رشد اخلاقی تا چه اندازه همگانی است توافق وجود ندارد. کلبِرگ معتقد است که سیستم او نمایانگر یک سلسله مراتبی از اخلاقیات است که در همه فرهنگ ها وجود دارد (ماسن، ترجمه یاسایی، ۱۳۷۴). بدین جهت برای ارزیابی توالی و ترتیب مراحل رشد اخلاقی در فرهنگ های مختلف تحقیقات زیادی انجام شده است و داده ها حاکی از آن است که مراحل رشد طولی دارند (از بالا به پایین از مرحله ۲ به ۳ و سپس ۴ و ۵ و ۶) (کیت تای^۲، ۱۹۹۶). اما در مطالعات بین فرهنگی فقط از ساختار ثابت مراحل پایین اخلاقی حمایت می شود (رست، ۱۹۸۶، اسناری، ۱۹۸۵، به نقل از کیت تای، ۱۹۹۶). بعضی از مطالعات حاکی از آن است که مراحل بالای اخلاقی ساختار ثابتی ندارد (ادواردز^۳، ۱۹۷۵؛ مقصود^۴، ۱۹۷۹؛ به نقل از کیت تای، ۱۹۹۶). رشد اخلاقی در فرهنگ های مختلف محتوا و معانی گوناگونی دارد و هنگامی که از آزمون های کلبِرگ در فرهنگ های متفاوت از جامعه غربی استفاده می شود نتایج نشان می دهد که مردم این فرهنگ ها به سطوح بالای رشد دست نمی یابند. نظام های معنایی در فرهنگ های مختلف جهان دارای تفاوتی اساسی با یکدیگر هستند. کلبِرگ در سطوح رشد اخلاقی بر مفاهیمی نظیر عدالت و نیکی متمرکز می شود، در حالی که یک مقایسه بین فرهنگی (فرهنگ هند و آمریکا) نشان می دهد که استدلال اخلاقی می تواند بر مفاهیمی نظیر مسئولیت بین شخصی متمرکز شود (میلر، ۱۹۹۲؛ به نقل از مولدر، ۱۹۹۷). گلیگان^۵ اعتقاد دارد که دیدگاه کلبِرگ به قدر کافی اصول اخلاقی دختران و زنان را ترسیم نمی کند (برک، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۱). او بر این باور است که تاکید نظر پیازه و کلبِرگ در رشد اخلاقی که بر مبنای اصول عقلانی و انتزاعی درباره عدالت مبتنی است، بیش تر مناسب حال مردان است ولی نگرش زنان به مسئله اخلاق عمدتاً بر امور شخصی و ابراز عواطف و مراقبت از خود و دیگران (به خصوص افراد محبوب آنان) استوار است. به همین دلیل، به نظر گلیگان، وقتی رشد اخلاقی آنان با آزمون های اخلاقی عدالت محور کلبِرگ سنجیده می شود در سطح پایین تری از مردان قرار می گیرند (گلیگان، ۱۹۷۷، گلیگان و آتانوچی^۶، ۱۹۸۸؛ به نقل از لطف آبادی، ۱۳۷۹).

با توجه به این اختلاف دیدگاه ها، ما چگونه می توانیم نگرانی های اخلاقی را اندازه بگیریم زمانی

1. Justice
4. Maqsood

2. Kit-Tai
5. Gilligan

3. Edwards
6. Attonucci

که مردم در مورد اینکه "اخلاق" به چه معناست؟ اختلاف نظر دارند. برای حل این مشکل هایت و گراهام (۲۰۰۷) به ایجاد تئوری بنیان‌های اخلاقی (MFT) و پرسش‌نامه بنیان اخلاقی^۱ (MFQ) پرداختند که به اندازه‌گیری پنج بعد اخلاقی: آسیب / مراقبت^۲، انصاف^۳، وفاداری به گروه^۴، احترام به مرجعیت^۵ و خلوص و تقدس^۶ می‌پردازد و استفاده از این پنج بنیان اخلاقی، فراهم آوردن فرصتی برای درک بهتر تنوع اخلاقی است (هایت و گراهام^۷، ۲۰۰۷؛ شئودر^۸، ماچ^۹، ماهاپاترا^{۱۰} و پارک^{۱۱}، ۱۹۹۷). روان‌شناسی اخلاقی در حال تجربه یک تجدید حیات می‌باشد. روان‌شناسان اجتماعی، دانشمندان علوم اعصاب و علوم رفتاری شروع به درمان قضاوت اخلاقی و تصمیم‌گیری به عنوان یک موضوع اصلی تحقیق کرده‌اند.

با این وجود امروزه، هنوز هم پژوهش در این زمینه تا حد زیادی محدود به مسائل مربوط به آسیب و انصاف (از جمله حقوق) می‌باشد (گراهام، نوزیک^{۱۲}، هایت، اییر، کولوا و دیتو^{۱۳}، ۲۰۱۱). تحقیقات نشان داده‌اند که ملاحظات اخلاقی فراتر از نگرانی‌های منحصر به فرد مبتنی بر آسیب و عدالت است و به نگرانی در مورد خلوص معنوی و تخریب (حتی برای اعمالی که شامل هیچ آسیبی به دیگران نمی‌شود) و نگرانی‌هایی در مورد تحقق نقش سلسله مراتبی و انتظارات اخلاقی وفاداری به گروه‌های محلی و یا ملی نیز می‌باشد. هم‌چنین، منابع دیگری موضوعات اخلاقی را فراتر از عدالت، حقوق و رفاه، و ارزش اخلاقی که فردی نیستند می‌دانند (به عنوان مثال، "اخلاق یک سیستمی دارد که از نهادهای اجتماعی خانواده، جامعه و کشور محافظت می‌کند").

هم چنین موضوعات اخلاقی براساس مفاهیمی از قبیل وظیفه، اطاعت، احترام و حفظ سنت و خداگرایی و یا هنجارهای دینی، نجابت، روح و حفظ خلوص ذهنی ساخته شده است (گراهام، نوزیک، هایت، اییر، کولوا و دیتو، ۲۰۱۱). اگر اخلاق واقعاً در فرهنگ‌ها، طبقات، سیاست و دوره‌های مختلف متفاوت است، پس روان‌شناسان نیاز به یک تعریف از حوزه اخلاقی دارند که براساس محتوای یک محدوده خاص (به عنوان مثال، عدالت، حقوق و رفاه) نباشد. برای برآورده کردن این نیاز، یک رویکرد جایگزین پیشنهاد شد که سیستم‌های اخلاقی را با عملکرد آن‌ها توضیح دهد؛ سیستم‌های اخلاقی که مجموعه به هم پیوسته از ارزش‌ها، فضائل، هنجارها، شیوه‌ها، هویت‌ها، نهادها، فن‌آوری‌ها و تکامل مکانیسم‌های روانی است که با یکدیگر تعامل می‌کنند و خودخواهی‌های انسان را تنظیم و یا سرکوب و زندگی اجتماعی را امکان پذیر می‌سازند (هایت و کسبیر^{۱۴}، ۲۰۱۰). این رویکرد کارکردگرا حداقل دارای دو مزیت نسبت به روش‌های مبتنی بر محتوا است: اول در تاکید خود بر روی سیستم‌های اخلاقی که روان‌شناسان را تشویق می‌کند، فراتر از افکار فردی و

1. Moral Foundation Questionnaire
4. Ingroup Loyalty
6. Purity & Sanctity
9. Much
12. Nosek

2. Care/harm
5. Authority Respect
7. Haidt & Graham
10. Mahapatra
13. Iyer, Koleva & Ditto

3. Fairness
8. Shweder
11. Park
14. Kesebir

مکانیسم‌های روانی به اخلاق بنگرند و اخلاقیات به صورت مجموعه زیادی از مردم در ارتباط با یکدیگر و مجموعه خاصی از محدوده‌های فعال فرهنگی و تاریخی ویژه‌ای از سازمان‌ها و فن‌آوری بروز می‌کند. مزیت دوم این است که این تعریف امکان به رسمیت شناختن گستره جوامع مختلف به عنوان تشکیل دهنده سیستم‌های اخلاقی، حتی اگر آن جوامع به باور بسیاری از محققان مقید به هنجارهای غیراخلاقی باشند، فراهم می‌کند (گراهام، نوزیک، هایت، ای‌یر، کولوا و دیتو، ۲۰۱۱). بنابراین نیاز به یک تئوری منظم درباره اخلاق، توضیح خاستگاه‌ها و تحول و تنوع‌های فرهنگی موثر بر آن منجر به ایجاد تئوری بنیان‌های اخلاقی گردیده است و پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی نیاز به یک مقیاس که از لحاظ نظری مبتنی بر پوشش طیف گسترده‌ای از نگرانی‌های اخلاقی انسان است، فراهم می‌کند.

هایت و جوزف^۱ (۲۰۰۴) شروع به تحقیق در ادبیات تحولی روان‌شناسی، انسان‌شناسی، ریاضیات، حوزه‌ها و قواعد اخلاقی که عمومی (نه لزوماً جهانی) بودند بین فرهنگ‌ها پرداختند و برای پیدا کردن بهترین ابعاد برای بنیان‌های اخلاقی بسیاری از فرهنگ‌ها و دوره‌ها را همراه با طبقه‌بندی اخلاق از انسان‌شناسی، روان‌شناسی و نظریه تکامل در مورد انسان و پستانداران از نظر سوسیالیسم^۲ را مورد مطالعه قرار دادند (گراهام، نوزیک، هایت، ای‌یر، کولوا و دیتو، ۲۰۱۱). هایت و گراهام (۲۰۰۷) تئوری بنیان‌های اخلاقی (MFT) را توسعه دادند و پس از تغییر و اصلاح‌های لازم در نهایت این ۵ بعد به دست آمدند: ۱. بعد مراقبت و آسیب، ۲. بعد انصاف، ۳. بعد وفاداری به گروه، ۴. بعد احترام به مرجعیت، ۵. بعد اخلاص و تقدس.

بعد مراقبت و بعد انصاف مشابه استقلال اخلاقی^۳ (اخلاق مرتبط با پیشرفت تک تک افراد) شئودر^۴ (۱۹۹۷) و بعد وفاداری و احترام به مرجعیت مربوط به اخلاق اجتماعی (متصل کردن^۵ افراد به یکدیگر) و بعد اخلاص و پاکی مربوط به اخلاق الوهیت و الهی است. هایت و گراهام این نظریه را در داخل ایالات متحده در انواع تنوع‌های فرهنگی موجود از جمله کشمکش‌های موجود بین گروه‌های سیاسی آزادی خواهان^۶ و محافظه کاران^۷ به کار برده‌اند (گراهام، نوزیک، هایت، ای‌یر، کولوا و دیتو، ۲۰۱۱). تئوری بنیان‌های اخلاقی می‌تواند به عنوان تلاش برای "تکامل مکانیسم‌های روانی" که بخشی از تعریف سیستم‌های اخلاقی که قبلاً بیان شده بود، باشد. به این ترتیب، تئوری بنیان‌های اخلاقی اجازه می‌دهد تا پایگاه‌های حسی یا عاطفی مبتنی بر قضاوت اخلاقی و همچنین فرآیندهای عمده استدلال مورد توجه قرار گیرد (گرین^۸ و همکاران، ۲۰۰۱).

تئوری مبانی اخلاقی یک سازمان مفهومی برای اندازه‌گیری و توصیف تفاوت در نگرانی‌های اخلاقی میان افراد، گروه‌های اجتماعی و فرهنگ‌های مختلف فراهم می‌کند و براساس انتخاب نزدیکترین ارتباط بین ویژگی‌های تکاملی از جامعه انسانی و ویژگی‌های انسان‌شناسی از وسعت و

1. Joseph

4. Shweder

7. Conservatives

2. Socialism

5. Binding

8. Greene

3. Ethics of Autonomy

6. Liberals

تنوع حوزه اخلاقی ایجاد گردیده است (هایت و جوزف، ۲۰۰۴؛ هایت و گراهام، ۲۰۰۷). پرسش‌نامه مبانی اخلاقی به عنوان یک ابزار قابل اعتماد، معتبر و آسان برای استفاده و بررسی این دامنه گسترده اخلاقی و ابزار مفیدی برای توسعه، نقد و به عبارت دیگر بهبود نقشه روان‌شناسی از حوزه اخلاق می‌باشد (گراهام، نوزیک، هایت، ای پر، کولوا و دیتو، ۲۰۱۱).

با توجه به اهمیت این پرسشنامه به عنوان مقیاسی جهت تعیین ابعاد متنوع اخلاقی که به ادعای سازندگان آن جهانشمول است، جهت بهره‌مند شدن از چنین ابزار سودمندی در تحقیقات داخلی وجود چنین مقیاسی‌هایی در جامعه ارزشی و مذهبی ما بسیار لازم و ضروری می‌نمود. پژوهش حاضر در جهت تامین چنین هدفی انجام گرفته و به دلیل گستردگی حوزه اخلاق بلاشک این پرسشنامه در بسیاری از حیطه‌های تحقیقاتی و نه تنها روانشناسی و علوم تربیتی بلکه در هر تحقیقی که با آزمودنی‌های انسانی سر و کار دارند به ویژه در علوم انسانی و علوم اجتماعی می‌تواند به همراه سایر مقیاس‌های پژوهشی مورد استفاده قرار گیرد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و ارزشیابی و هدف آن بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی (MFQ۳۰) بود.

جامعه آماری

جامعه آماری شامل تمام معلمان متاهل شهرستان مغان بود.

نمونه آماری و روش نمونه‌برداری

در انجام این پژوهش ۲۵۰ نفر (۱۲۵ زوج) از میان معلمان متاهل شهرستان مغان همکاری کردند. جهت انتخاب آزمودنی‌های این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. بیش‌ترین فراوانی در زنان مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال و در مردان هم مربوط به گروه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال بود. میانگین سنی در زنان حدود ۳۴ سال و در مردان نیز حدود ۳۷ سال بود.

ابزارهای پژوهش

۱ پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی (MFQ۳۰): این مقیاس مشتمل بر ۳۰ ماده است که به منظور ارزیابی و سنجش ابعاد پنج‌گانه اخلاق که به عقیده هایت و گراهام (۲۰۰۷) این پنج بعد، ابعاد اساسی و بنیادی اخلاق در بین فرهنگ‌ها و هویت‌های مختلف قومی، نژادی و زبانی هستند، می‌پردازد. این مقیاس از دو بخش تشکیل شده است که سوال‌های بخش اول از سؤال ۱ تا ۱۶ به صورت یک مقیاس ۶ درجه‌ای از اصلاً مهم نیست (۰) تا به شدت مهم است (۵) نمره‌گذاری

می‌شود.

در این بخش یک سوال در مورد ریاضی وجود دارد (آیا فرد در ریاضی خوب است یا نه؟) این سوال نمره‌گذاری نمی‌شود؛ این سوال بدین منظور در پرسش‌نامه گنجانده شده است که هم افراد را به استفاده از بخش پایینی مقیاس‌ها دارد و هم اینکه شرکت‌کنندگانی را که با سه گزینه آخر به آن پاسخ داده‌اند شناسایی و جدا کند. بخش دوم از سؤال ۱۷ تا ۳۲ به صورت یک مقیاس ۶ درجه-ای به شدت مخالفم (۰) تا به شدت موافقم (۵) پاسخ داده می‌شود.

در بخش دوم جمله ۲۲ (انجام کار خوب بهتر از انجام کار بد است) نمره‌گذاری نمی‌شود؛ این ماده گنجانده شده است تا شرکت‌کنندگان را به استفاده از بخش بالایی مقیاس‌ها و افراد را که با سه گزینه اول به آن پاسخ داده‌اند شناسایی و جدا کند. بنابراین دو تا از سوالات پرسش‌نامه برای مشخص کردن موارد خاص گنجانده شده‌اند و نمره‌گذاری نمی‌شوند. ۵ خرده مقیاس این پرسش‌نامه عبارتند از: ۱. مراقبت/آسیب: این بعد به سیستم‌های دلبستگی ما و توانایی احساس و دوست نداشتن درد دیگران و فضائلی مثل مهربانی، نجابت و پرورش مربوط می‌شود، ۲. انصاف (عدالت): این بعد به روند تکاملی نوع دوستی متقابل مربوط می‌شود (تولید ایده‌هایی مثل عدالت، حقوق و استقلال)، ۳. وفاداری به گروه: این بعد انسان‌ها را به عنوان موجودات قبیله‌ای که قادر به تشکیل ائتلاف هستند در نظر می‌گیرد این زمینه مربوط به فضائلی مثل وطن پرستی و از خود گذشتگی برای گروه است. "یکی برای همه، همه برای یکی"، ۴. احترام به مرجعیت: این بعد بر اساس تعاملات اجتماعی سلسله مراتبی شکل گرفته است. این زمینه مربوط به فضائلی مثل رهبری و از جمله احترام به اقتدار مشروع و احترام به سنت‌ها است؛ و ۵. خلوص: این بعد بر اساس مفاهیم دینی و تلاشی برای زندگی در یک سطح عالی و اصیل و کمتر نفسانی می‌باشد. در تحقیق هایت و گراهام شرکت‌کنندگان ۳۴۴۷۶ بزرگسال (۰/۳۷ زن با میانگین سنی ۳۶/۲ سال) بودند که میانگین و انحراف استاندارد و آلفای کرونباخ برای هر بعد محاسبه شد و نتایج زیر به دست آمد:

جدول ۱: محاسبه آلفای کرونباخ برای ابعاد اخلاقی در پژوهش هایت و گراهام، ۲۰۰۷

ابعاد اخلاقی	ضرایب آلفا	میانگین	انحراف استاندارد
مراقبت و آسیب	۰/۶۹	۳/۴۲	۰/۸۴
انصاف و بی‌طرفی	۰/۶۵	۳/۵۵	۰/۷۳
وفاداری به گروه	۰/۷۱	۲/۲۶	۰/۸۷
احترام به مرجعیت	۰/۷۴	۲/۲۷	۰/۹۰
اخلاص و پاکی	۰/۸۴	۱/۵۴	۱/۰۸

همان‌طور که ضرایب آلفای کرونباخ نشان می‌دهد پرسش‌نامه در ۵ بعد دارای همسانی درونی مناسبی است. برای تعیین پایایی پرسش‌نامه به روش بازآزمایی، پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی به

۱۲۳ دانشجو در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی با میانگین سنی ۲۰/۱ که ۰/۶۹/۹ آن زن بودند داده شد. بعد از ۳۷/۴ روز (با دامنه ۲۸ تا ۴۳ روز) شرکت کنندگان برای دومین بار پرسش‌نامه را پر کردند. همبستگی پیرسون برای هر بعد عبارت بود از: ۰/۷۱ برای بعد مراقبت / آسیب، ۰/۶۸ برای بعد انصاف، ۰/۶۹ برای بعد وفاداری به گروه، ۰/۷۱ برای بعد احترام به مرجعیت، ۰/۸۲ برای بعد اخلاص ($P < 0/001$). این نتایج نشان می‌دهد که پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی (MFQ۳۰) در تمام زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف از قابلیت اطمینان مناسبی برخوردار است و ضرایب به دست آمده از طریق بازآزمایی برای هر بعد نزدیک به ضرایب بدست آمده از آلفای کرونباخ برای هر بعد می‌باشد.

تحلیل‌هایی که برای تعیین اعتبار^۱ و اگرایی این پرسش‌نامه با مقیاس‌های دیگر مثل زمینه‌یاب ارزشی شوارتز^۲ (SVS) انجام گرفته نشان می‌دهد که هر بعد پرسش‌نامه دارای اعتبار پیش‌بین محکمی برای مقیاس‌های سنجش دیگر است (گراهام، نوزیک، هایت، ای، یر، کولوا و دیتو، ۲۰۱۱). این نتایج شواهدی برای اعتبار همگرا و اعتبار افتراقی پرسش‌نامه‌ی بنیان‌های اخلاقی فراهم می‌کند. هم‌چنین نتایج به دست آمده برای اعتبار پیش‌بین پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی برای گروه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که این پرسش‌نامه می‌تواند برای محققینی که می‌خواهند بدانند چگونه ویژگی‌های اخلاقی منجر به تبعیض نسبت به گروه‌های اجتماعی خاصی می‌شود ابزار سودمندی باشد (گراهام، نوزیک، هایت، ای، یر، کولوا و دیتو، ۲۰۱۱).

هایت در تحقیقی دریافت که آمریکایی‌هایی که به عنوان لیبرال^۳ شناسایی شدند در ابعاد مراقبت و انصاف به طور قابل توجهی نسبت به ابعاد وفاداری، احترام به مرجعیت و خلوص بالاتر بودند و آمریکایی‌های محافظه‌کار^۴ در هر پنج بعد اخلاقی در یک سطح بودند، اگر چه در سراسر پنج بعد اخلاقی نگرانی محافظه‌کاران برای بعد مراقبت و انصاف کمتر از لیبرال‌ها می‌باشد؛ در هر دو گروه (لیبرال و محافظه‌کار) بعد مراقبت بالاترین اهمیت را دارد و هم‌چنین در محافظه‌کاران ارزش انصاف، در حالی که در لیبرال‌ها ارزش خلوص کم‌ترین اهمیت را دارند (گراهام، نوزیک، هایت، ای، یر، کولوا و دیتو، ۲۰۱۱).

زمینه‌یاب ارزشی شوارتز (SVS) که ۱۰ طبقه از ارزش‌ها را اندازه‌گیری می‌کند و شامل چندین ارزش و خرده مقیاس می‌باشد با پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی هم‌پوشی دارد ولو اینکه پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی نمره‌گذاری متفاوتی دارد (یک بیان علت تکاملی در مورد اینکه چرا انسان بینش اخلاقی دارد، نقطه مقابل رویکرد تحلیل عاملی شوارتز است). با این حال سه پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی برای پیش‌بینی زمینه‌یاب ارزشی شوارتز ابزار ارزش‌مندی است.

1. Reliability
4. Conservative

2. Schwartz Value Survey

3. Liberal

زمینه‌یاب ارزشی شوارتز هم در خرده مقیاس‌ها (۱۰ به ۵) و هم در ماده‌ها (۵۸ به ۳۰) از پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی بزرگ‌تر است. هر چند زمینه‌یاب ارزشی شوارتز یک مقیاس با طیف گسترده‌ای از ارزش‌ها را فراهم می‌کند اما به طور خاص برای پوشش قلمروهای اخلاقی طراحی نشده است و نمی‌تواند مفاهیمی مثل وفاداری به گروه و پاکی و معنویت را پوشش دهد. پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی اعتبار پیش بین بهتری از زمینه‌یاب ارزشی شوارتز برای مقیاس‌های بیرونی گوناگونی که وابسته به هویت اخلاقی، نگرش به گروه‌های اجتماعی و موضوعات مربوط به عقاید افراد درباره اخلاق و سیاست هستند ارائه می‌دهد.

علاوه بر این در اکثر موارد پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی حتی بهتر از زمینه‌یاب ارزشی شوارتز واریانس متغیرهای ملاک را نشان می‌دهد با وجود آنکه کوتاه‌تر و از نظر مفهومی محدودتر از آن است. این امر نشان می‌دهد که پرسش‌نامه‌ی بنیان‌های اخلاقی دارای خواص اندازه‌گیری موثر، ایجاد توازن میان طول و مدت زمان اندازه‌گیری است و پوشش گسترده‌ای از حوزه اخلاقی را شامل می‌شود (گراهام، نوزیک، هایت، ای یر، کولوا و دیتو، ۲۰۱۱). به دلیل اینکه در هر مرحله از ایجاد مقیاس بنیان‌های اخلاقی از نمونه‌های ناهمگن بزرگی استفاده شده با اطمینان می‌توان درباره تعمیم‌پذیری آن صحبت کرد.

پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی در ملیت‌ها و گروه‌های جغرافیایی گوناگون مثلاً در ایالات متحده بر روی ۲۶۰۱۴ نفر، کانادا ۲۰۷۲ نفر، اروپای غربی ۱۶۷۰ نفر، انگلستان ۱۱۷۵ نفر، استرالیا ۷۰۷ نفر، اروپای شرقی ۴۱۳ نفر، آمریکای لاتین ۴۱۱ نفر، آسیای جنوبی ۲۰۳ نفر و آسیای شرقی ۱۶۳ نفر انجام شده و نتایج به‌دست آمده نشان داده که پرسش‌نامه‌ی بنیان‌های اخلاقی تنها مختص ایالات متحده و یا شرکت کنندگان غربی نیست و برای تمام موقعیت‌ها جغرافیایی و تنوع‌های بین فرهنگی ابزار ارزش‌مند و مناسبی می‌باشد. نتایج تحلیل عاملی تاییدی نیز نشان داده که پرسش‌نامه‌ی بنیان‌های اخلاقی، آزمون برازندگی مناسبی برای شرکت کنندگان از نواحی مختلف جهان فراهم می‌کند (گراهام، نوزیک، هایت، ای یر، کولوا و دیتو، ۲۰۱۱). (همان‌طور که در فرم فارسی این پرسش‌نامه و در تحقیق حاضر نیز این مسئله مورد تایید واقع شد).

۲. زمینه‌یاب ارزشی شوارتز (SVS): نسخه اصلی این زمینه‌یاب در شکل کنونی آن شامل ۵۷ ماده ارزشی منفرد (مثل، خرد، زندگی مهیج، امنیت خانوادگی) است که به‌گونه پیشینی برای مجسم کردن ۱۰ سازه ارزشی متمایز انگیزشی (و سازه احتمالی معنویت) انتخاب شده‌اند. ارزش‌های زمینه‌یاب ارزشی شوارتز در سطح دو مجموعه ارزشی قرار می‌گیرند: ۱. فهرست ارزش‌های غایی (ارزش‌های ۱ تا ۳۰) و ۲. فهرست ارزش‌های ابزاری (ارزش‌های ۳۱ تا ۵۷). زمینه‌یاب ارزشی شوارتز در دو صفحه (دو فهرست ارزش‌ها) تهیه شده است. محدودیت زمانی برای پاسخ به آن وجود ندارد و می‌تواند به صورت فردی یا گروهی اجرا شود (دلخמוש، ۱۳۸۵).

در مطالعه اشمیت و دیگران (۱۹۹۳) اعتبار (پایایی) زمینه‌یاب ارزشی شوارتز، با استفاده از

روش بازآزمون تایید شد. به گونه‌ای مشابه، ضریب پایایی آن در یک نمونه ایرانی (مشمول بر ۱۲۰ دانشجوی دختر و پسر) از طریق روش بازآزمون به فاصله دو هفته مورد تایید قرار گرفت (دلخمش ۱۳۸۵). ضرایب بدست آمده حاکی از پایایی شایان توجه ریخت‌های ارزشی است: (ایمنی ۰/۷۸، پیشرفت ۰/۸۲، لذت جویی ۰/۸۶، تحریک طلبی ۰/۸۱، خود رهنمود دهی ۰/۷۸، جهان شمولی نگری ۰/۸۱، خیرخواهی ۰/۷۸، سنت ۰/۸۰، هم‌نوایی ۰/۷۷) (دلخمش و احمدی، ۱۳۸۱). در مطالعه حاضر ضریب پایایی مقیاس زمینه‌یاب ارزشی شوارتز با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به‌دست آمد.

روش اجرا

جهت استفاده از پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی در این پژوهش، ابتدا نسخه انگلیسی پرسش‌نامه به زبان فارسی ترجمه شد و سپس دوباره نسخه فارسی پرسش‌نامه از زبان فارسی به انگلیسی ترجمه شد (ترجمه معکوس). پس از انطباق درست، و در نهایت پس از تایید اعتبار محتوایی پرسش‌نامه توسط اساتید متخصص در زمینه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران این پرسش‌نامه بر روی ۶ زوج (۱۲ نفر زن و مرد) به منظور تصحیح جمله‌های مبهم پرسش‌نامه به صورت مقدماتی اجرا شد و در نهایت پس از اصلاح نهایی موارد مبهم، پرسش‌نامه در نمونه اصلی که ۲۵۰ نفر (۱۲۵ مرد و ۱۲۵ زن) بودند به همراه پرسش‌نامه ارزش‌های شخصی شوارتز مورد استفاده قرار گرفت. در این پژوهش از پاسخ دهندگان پس از کسب رضایت آگاهانه، جهت حفظ حریم خصوصی آنان نوشتن اسامی درخواست نگردیده بود و تنها به اطلاعاتی از قبیل جنسیت، سابقه تدریس و ... اکتفا شده بود.

یافته‌های پژوهش

در جداول ۲ و ۳ توزیع فراوانی و میانگین و انحراف استاندارد مردان و زنان در ابعاد اخلاقی آورده شده است.

جدول ۲ توزیع فراوانی مردان و زنان بر حسب ابعاد اخلاق

ابعاد	سطوح	مردان		زنان	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مراقبت	بالا	۵۹	۴۲/۴	۵۳	۴۷/۲
آسیب	متوسط	۹	۱۰/۴	۱۳	۷/۲
	پایین	۵۷	۴۷/۲	۵۹	۴۵/۶

انصاف	بالا	۵۵	۴۴	۶۴	۵۱/۲
	متوسط	۱۳	۱۰/۴	۱۰	۸
	پایین	۵۷	۴۵/۶	۵۱	۴۰/۸
وفاداری به گروه	بالا	۵۳	۴۲/۴	۵۹	۴۷/۲
	متوسط	۱۳	۱۰/۴	۹	۷/۲
	پایین	۵۹	۴۷/۲	۵۷	۴۵/۶
احترام به مرجعیت	بالا	۵۶	۴۴/۸	۶۷	۵۳/۶
	متوسط	۱۱	۸/۸	۲	۱/۶
	پایین	۵۸	۴۶/۴	۵۶	۴۴/۸
خلوص	بالا	۵۶	۴۴/۸	۶۵	۵۲
	متوسط	۱	۰/۸	۸	۶/۴
	پایین	۶۸	۵۴/۴	۵۲	۴۱/۶

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد مردان و زنان در ابعاد اخلاق

مؤلفه ها	زنان		مردان	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
مراقبت/آسیب	۵/۲۱	۰/۹۴	۴/۰۷	۱/۶۷
انصاف	۲/۸۹	۲/۰۳	۴/۷۲	۱/۴۳
وفاداری	۴/۴۱	۲/۲۱	۴/۹۰	۱/۱۲
احترام	۴/۲۱	۰/۹۶	۳/۴۶	۱/۰۱
خلوص	۵/۳	۱/۷۳	۵/۳۳	۳/۰۳

برای تعیین اعتبار و همسانی درونی پرسشنامه‌ی بنیان‌های اخلاقی ضریب پایایی کلی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ حدود ۰/۷۹ و هم‌چنین خرده مقیاس‌های مراقبت/ آسیب ۰/۵۸، انصاف (عدالت) ۰/۷۹، وفاداری به گروه ۰/۶۱، احترام به مرجعیت ۰/۷۰ و خلوص ۰/۷۳ محاسبه کردیم. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی از اعتبار و همسانی درونی مناسبی برخوردار است.

هم‌چنین به منظور تعیین اعتبار مقیاس بنیان‌های اخلاقی از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. با توجه به نتایج حاصل از شاخص‌های برازندگی در مدل اندازه‌گیری مقیاس بنیان‌های اخلاق می‌توان گفت:

جدول ۴: شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری مقیاس اخلاق

ردیف	شاخص	مقدار	ملاک	نتیجه
۱	χ^2/df	۱/۱۲	۲ و کمتر	مطلوب
۲	RMSEA	۰/۰۴۷	۰/۰۵ و پایینتر	مطلوب
۳	CFI	۱	حداقل ۰/۹	مطلوب
۴	GFI	۰/۸۷	حداقل ۰/۹	مطلوب
۵	AFGI	۰/۹۱	حداقل ۰/۹	مطلوب
۶	PGFI	۰/۵۴	حداقل ۰/۵	مطلوب

نسبت خوبی دو بر درجه آزادی برابر با ۱/۱۲ که این مقدار با توجه به ملاک مد نظر بیانگر برازش مناسب مدل مفهومی با داده‌هاست. مقدار شاخص RMSEA برابر با ۰/۰۴۷ که این مقدار در دامنه ملاک قابل قبول قرار دارد و این امر نیز گویای مقدار خطای قابل قبول در مدل می‌باشد. مقادیر شاخص‌های CFI، GFI، AFGI و PGFI نیز با توجه به ملاک مدنظر مطلوب ارزیابی می‌گردند و بنابراین می‌توان گفت که مقیاس بنیان‌های اخلاقی دارای برازش مناسب و قابل قبول می‌باشد. در جدول ۵ بارهای عاملی و واریانس مشترک برآورد شده سؤال‌های پرسش‌نامه آورده شده است.

جدول ۵: بارهای عاملی و واریانس مشترک برآورد شده سؤال‌های پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی

(MFQ۳۰) (سؤال‌های ۶ و ۲۲ نمره‌گذاری نمی‌شوند)

سؤال	بار عاملی	واریانس تبیین شده	سؤال	بار عاملی	واریانس تبیین شده
۱	۰/۵۳	۰/۲۸	۱۷	۰/۷۸	۰/۶۱
۲	۰/۶۹	۰/۴۷	۱۸	۰/۶۴	۰/۴۱
۳	۰/۶۱	۰/۳۷	۱۹	۰/۵۹	۰/۳۵
۴	۰/۷۰	۰/۴۹	۲۰	۰/۴۱	۰/۱۷
۵	۰/۴۸	۰/۲۳	۲۱	۰/۷۵	۰/۵۶
۷	۰/۴۸	۰/۲۳	۲۳	۰/۷۸	۰/۶۱
۸	۰/۶۹	۰/۴۷	۲۴	۰/۶۴	۰/۴۱
۹	۰/۶۱	۰/۳۷	۲۵	۰/۵۲	۰/۲۷
۱۰	۰/۷۰	۰/۴۹	۲۶	۰/۸۴	۰/۷۰
۱۱	۰/۵۹	۰/۳۵	۲۷	۰/۷۵	۰/۵۶
۱۲	۰/۵۲	۰/۲۷	۲۸	۰/۴۱	۰/۱۷
۱۳	۰/۶۳	۰/۳۹	۲۹	۰/۷۸	۰/۶۱
۱۴	۰/۶۹	۰/۴۷	۳۰	۰/۶۴	۰/۴۱
۱۵	۰/۶۱	۰/۳۷	۳۰	۰/۴۸	۰/۲۳
۱۶	۰/۷۰	۰/۴۹	۳۲	۰/۵۹	۰/۳۵

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که در این مقیاس سؤال ۲۶ (آیا مردان و زنان نقش متفاوتی را در جامعه دارند؟) با بار عاملی ۰/۸۴ و میزان واریانس تبیین شده ۰/۷۰ در مقایسه با سایر سؤال‌ها از اهمیت نسبی بیشتری برخوردار است.

برای تعیین اعتبار همگرا، پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی را به همراه زمینه‌یاب ارزشی شوارتز به طور همزمان در نمونه‌ی مورد پژوهش اجرا کردیم. نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بنیان‌های اخلاقی و ارزش‌های شخصی در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: همبستگی بین اخلاق و ارزش‌های شخصی						
متغیرها	اخلاق	مراقبت/	انصاف	وفاداری به	احترام	به خلوص و
ارزش‌های شخصی	۰/۳۱**	۰/۲۴**	۰/۳۴**	۰/۱۵*	۰/۲۱**	تقدّس * ۰/۱۹

$$P < ۰/۰۱** \quad P < ۰/۰۵*$$

نتایج به دست آمده از محاسبه ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین اخلاق و ابعاد آن با زمینه‌یاب ارزشی شوارتز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که بیانگر اعتبار مناسب پرسشنامه بنیانهای اخلاقی است.

بحث و نتیجه‌گیری

اخلاق و موضوعات اخلاقی تحت تاثیر ویژگی‌های افراد از قبیل: مذهب، قومیت، نژاد، سطح درآمد، سطح تحصیلات، ویژگی‌های فرهنگی و طبقات اجتماعی و اقتصادی قرار می‌گیرد. بدین منظور قبل از استفاده از پرسش‌نامه‌های خارجی در داخل هر کشوری این پرسش‌نامه‌ها باید ترجمه و طبق اصول صحیح روان‌سنجی بررسی شوند.

در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ، تحلیل عاملی تاییدی و ضریب همبستگی پیرسون ویژگی‌های روان‌سنجی فرم فارسی پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی (MFQ۳۰) بررسی شد. نتایج به دست آمده نشان داد که فرم فارسی پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی از ضرایب پایایی و همسانی درونی مناسبی برخوردار است و نتایج به دست آمده با تحقیقات هایت و گراهام (۲۰۰۷) که مدعی هستند این پرسش‌نامه در طبقات متنوع قومی و مذهبی و در کشورهای مختلف بررسی و تایید شده، همسو می‌باشد. بررسی دقیق این پرسش‌نامه نشان داد که سوالات این پرسش‌نامه ابعاد و مفاهیم اخلاقی را مورد سنجش قرار می‌دهد. بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه نشان داد که فرم فارسی پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی از اعتبار و روایی خوبی برخوردار بوده و در نتیجه می‌تواند به عنوان یک ابزار پژوهشی مناسب در پژوهش‌های مختلف در ایران مورد استفاده قرار گیرد. پژوهش حاضر بر روی معلمان شهرستان مغان با اعتقادات شیعه دوازده امامی و با درآمد متوسط، انجام گرفته و همان‌طور که گفته شد اخلاق از مذهب، قومیت، نژاد، سطح درآمد و ... نیز تاثیر می‌پذیرد بنابراین استفاده از این پرسش‌نامه در کنار تحقیقات دیگر و در جوامع آماری متنوع توصیه می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند جهت آشنایی بیشتر با تئوری بنیان‌های اخلاقی، سازندگان پرسش‌نامه اصلی و مطالب مرتبط با آن به وب سایت زیر مراجعه کنند.

<http://www.moralfoundations.org>

منابع

- برک، لورای. (۱۳۸۱). روانشناسی رشد؛ از نوجوانی تا پایان زندگی. ترجمه یحیی سید محمدی. چاپ اول. تهران: ارسباران.
- دلخوش، محمدتقی و احمدی، مهرناز. (۱۳۸۱). شناسایی محتوا و ساختار ارزشها و گستره عوامل همبسته در نظام اداری کشور. (طرح ملی) سازمان امور اداری و استخدامی کشور.
- دلخوش، محمدتقی. (۱۳۸۵). شناسایی محتوا و ساختار ارزشهای انسانی در دانشجویان ایرانی. فصلنامه روانشناسان ایرانی. ۲(۸)، ۳۱۸-۲۹۹.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۶). روانشناسی رشد. انتشارات دانشگاه پیام نور.
- لطف آبادی، حسین. (۱۳۷۹). روانشناسی رشد کاربردی. تهران، سازمان ملی جوانان.
- ماسن، پاول، هنری، لیگان، جروم، هوستون، آلتا، کرول و کانجر، جان جین وی. (۱۳۸۰). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. چاپ سوم، انتشارات ماد.

References

- Campbell, R.I & Christopher, J.C. (1996). Moral Development Theory: A Critique of It's Kantian Presuppositions. *Developmental Review*, 1b (1) 1-47.
- Clifford, S & Iyengar, V. (2015). Moral foundations vignettes: A standardized stimulus database of scenarios based on moral foundations theory. *Behavior Research Methods*. December 2015, Volume 47, Issue 4, pp 1178-1198.
- Graham, J., Nosek, B. A., Haidt, J., Iyer, R., Koleva, S., & Ditto, P. H. (2011). Mapping the moral domain. *Journal of Personality and Social Psychology*, 101, 366-385.
- Greene, J. D. (2011). Emotion and morality: A tasting menu. *Emotion Review*, 3(3), 227-229.
- Greene, J.D., Sommerville, R.B., Nystrom, L.E., Darley, J.M., & Cohen, J.D. (2001). An fMRI investigation of emotional engagement in moral judgment. *Science*, 293, 2105-2108.
- Haidt, J. & Graham, J. (2007). When morality opposes justice: Conservatives have moral intuitions that liberals may not recognize. *Social Justice Research*, 20, 98-116.
- Haidt, J., & Joseph, C. (2004). Intuitive Ethics: How Innately Prepared Intuitions Generate Culturally Variable Virtues. *Daedalus*, pp. 55-66, Special issue on human nature.

- Haidt, J., & Kesebir, S. (2010). Morality. In S. T. Fiske, D. Gilbert & G. Lindzey (Eds.), *Handbook of Social Psychology*, 5th Edition (pp. 797-832). Hoboken, NJ: Wiley.
- Kit – Tai H. (1996). Stage structure of Moral Development A Comparison of Alternative Model. Paper Presented at the Annual Conference of the American Research Association. (New York). April (1996).
- Monin, B., Pizarro, D.A. and Beer, J.S. (2007). Reason and Emotion in moral Judgment: Different prototypes Lead to Different Theories. Chapter to be included in K.D. Vohs & R.F. Baumeister. *Do emotions help or hurt decision making?* New York: Russell sage Foundation.
- Mulder B. (1997). Moral Developments Development: Recent Research. PSY 335 – 01. Psychology/ 335 /webreb/index. Htm. in www.Hop.edu/academic/.
- Shweder, R. A., Much, N. C., Mahapatra, M., & Park, L. (1997). The "big three" of morality (autonomy, community, and divinity), and the "big three" explanations of suffering. In A. Brandt, & P. Rozin (Eds.), *Morality and health* (pp. 119-169). New York: Routledge.
- URL: <http://www.moralfoundations.org>. 5/10/2016